



اخلاق؛ نهادشناسی اخلاق

مقدمه

اخلاق در هر دو مفهوم 1- هنجاری (Ethics) و 2- ارزش_محور (Morality) خودش با اختلافاتی، از طریق مفهوم سازی و پاداش سازیِ مفهومی-اجتماعی؛ رفتار مطلوب رو تقویت می کنند و رفتار بدوی و طبیعی رو پس می زنن. از دید من دین، بر اساس همین الگو چنین کاری رو برای درخواست های بزرگتر (بندگی و سرسپردگی و باور ایمانی به غیب و خدا) با پاداش ها و مفهوم سازی های بزرگ تری انجام داد. یعنی من دین رو گسترش یافته ی "الگوریتم شکل دهی به تصمیم و کنش" که توسط اخلاق شروع شده، می دونم.

به شکل خلاصه بنده اخلاق رو در هر دو تعبیر یک نرم فزاری می دونم که تو ذهن (سیستم عامل) فرد انسانی به تدریج کد می شه و کاملتر می شه. فرد انسانی وقتی خودش توانایی بازبینی و رفع اشکال از این نرم افزار رو پیدا کرد، سیستم اخلاقی اش وارد مرحله ی تمایز جزئی می شه. یعنی الگوی تصمیم اخلاقی اش مستقلاً رشد می کنه و بازخوردهایی که می گیره، اون رو به نسبت متمایز می کنه با وجودی که چون این بازخوردها از دیگری و روابط اجتماعی هست، یک نسبت تشابه و سازگاری زیادی بین این الگوها وجود خواهد داشت.

چطور اخلاق موجه می شود، مفهوم سازی اخلاقی چگونه صورت می گیرد، اخلاقی شدن چگونه فرایندی است.

در تقابل دو موضوع فرضی

1. مدنیت Civilized و

2. بدویت Primitive/ Naturalistic

رفتار و کنش مدنی رفتاری است که طبق آداب و قواعد هنجاری جمع پذیری انجام می شود. رفتاری که باید آموخته شده و کنشگر برای آن تربیت شده باشد. بنابراین به نظر رفتار مدنی رفتاری فی البداهه spontaneous نیست. از این رو رفتار مدنی رفتاری مورد انتظار است، (هنجاری) که محمل همبستگی و همکاری و توافقات ضمنی کنش های متقابل است. رفتارهای مدنی خود به چند دسته قابل تقسیم است،

- رفتارهای فردی (فرد در نزد خود فرد)،
- رفتارهای اجتماعی (فرد در نزد جمع)،
- رفتارهای مربوط به نقش خاص؛ از جمله رفتارهای حرفه ای/ طبقه ای، و

فرهنگ و سنن و سایر قواعد هنجاری جامعه، نظیر آداب، قانون، مقررات و ... مبنای ترویج و تثبیت این قواعد و هنجارها هستند. این قواعد خود بر اساس ارزش ها و اصولی مستند و موجه می شوند که حاصل، درک تاریخی شده، دروس آموخته و تجارب تاریخی آن اجتماع بشری یا اجتماع های در ارتباط بوده است. فرایند این درک و مفهوم سازی و استعلا اطلاعاتی نظری، فرایندی زنده و پویا و به تعبیری کتابی ناتمام است که حاصل کنش جمعی آحاد آن جامعه از میان حوادث و اتفاقات داخلی-محیطی آن است.

این تجارب و آموزه ها و مقوم های فرهنگ، سنت و هنجارها عمدتاً از طریق هنری، اسطوره ها، داستان ها، اشعار ... یا باستانی چه به شکل نقلی یا به شکل مکتوب و ثبت شده و با نوع خاصی از روایت شدگی (تعبیر سازی و تفسیر شدگی شان) منتقل می شوند. یعنی سنن جامعه بستر اصلی انسجام، همبستگی، اشتراک یابی و دست یابی به ارزش ها و اصول راهنمایی است که به هنجارها و آموزه ها و چارچوب های کنش (چندار و گفتار و کردار) منجر می شوند.

چنین دروس آموخته شده ای، از طریق فرایند جامعه پذیری به افراد انسانی جدید (فرضا کودکان) آموخته می شود و این عضو تازه، آماده ی عضویت و کنش فعال و کم چالش با محیط انسانی- اجتماعی پیرامون خود می شود. این فرایند آموزشی از سنین کودکی آغاز می شود بنابراین چنین مفاهیم و اصول راهنمایی از ساده ترین و مشخص ترین حالت های خود آموخته شده (در ذهن کودک تثبیت می شود) تا در سنین بعدی در ضمن چالش ها و تعارض ها و مسائل مختلف به شکل یک نرم افزار و الگوی تصمیم سازی شکلی الگوریتمی و کلی پیدا کند.

افراد انسانی از سطوح مختلف پذیرش برخوردارند و در پیوستار دو گانه ی پذیرش Adaptation (تایید طلبی) یا اثرگذاری Manipulation (تغییر طلبی) به هر سویی ممکن است بیشتر گرایش پیدا کنند.

یک فرد انسانی کنجکاو که فردیت قوی تری دارد، از این رو به سوی اثرگذاری گرایش بیشتری دارد، فردی است که از دلایل هنجارها و آموزه ها بیشتر پرسش می کند. یعنی از قوه ی شکاکیت بالاتری برخوردار است. وجود چنین افرادی و در ضمن لزوم موجه کردن و مشروعیت بخشیدن به آموزه ها و هنجارها که خود در رقابت با آموزه ها و هنجارهای محتملاً رقیب، هویت های متفاوتی را نمایندگی می کنند، سیستمی از ارزش ها و اصول راهنمای خوب آرایش شده بوجود می آورد.

===== اینطوری برم نمی رسم به حرفم و روی دلم می مونه! <==> می برم سر حرفم، بعداً توضیحات تکمیلیش رو میدوارم گام به گام بنویسم!

بابا می خوام بگم، اخلاق سیستمی هست که یک سیستم برآیند صفر رو به یک سیستم برآیند مثبت تبدیل می کنه، چطوری؟ با ساختن مفاهیم ارزشی و برجسب هایی که ارزش اون ها رو قبلتر مهم نشون داده و احتمالاً پاداش هایی هم برای تصاحب اون مدال های افتخار و برجسب ها در نظر گرفته. شجاعت، خوش خلقی، مردم داری، مهربانی، گشاده دستی، خیرخواهی و ... آموزه ها و داستان هایی که امتیازهای قابل دست یافتن از این برجسب ها رو به همراه دارن، خود تقویت کننده های رفتاری این ها هستند. این ها با پاداش های نقدی دیگه ای که خود فرد در پیگیری طبیعی آمال و آرزوهایش داره تعارض پیدا می کنه. یعنی وقتی فرد در تعارض با دریافت پاداش های مستقیم و نقد در کنش های خودش، اولویت رو به پاداش های اجتماعی نسبه یا متصف شدن به برجسب های خوش نام و خوش رنگ ترویجی شده ی اجتماع بده، عمل اخلاقی Ethical Act انجام داده.

به نظر هر سیستم مفروضی که عمل اخلاقی را موجه و مدون می کند، نیازمند تفکیک برخی مفاهیم و ترسیم جغرافیای موضوع در بستری از مفاهیم است که مکانیسم تصمیم سازی و حرکت را میسر کند. یعنی الگوی بهینه سازی فرد انسانی به مثابه یک عامل تصمیم گیر، دارای پارامترهای عمومی است که خود این پارامترها بسته به جوامع و فرهنگ ها متغیر نباشند. این مفاهیم به نظر در هر اجتماع بشری راهنمای عمل برای حصول به خیر جمعی و بهیچگی زیست درونی در مقابل با مخاطرات و چالش های محیطی باشند. طبیعی است حد پیچیدگی سیستم و توان پردازشی آن بر اساس نیاز به اتخاذ تصمیم های پیچیده تر و در هم تنیده تر ممکن است این مفاهیم و پارامترها را کم تر یا زیاد تر کند. به نظر مفاهیمی نظیر :

- خوب و بد
- خیر و شر
- حق و باطل / حق و ناحق

- زشت و زیبا
- ارزش و ضد ارزش
- انصاف
- عدالت
- برابری
- برادری

از این جمله باشند. در تعبیری دیگر در ذیل ملاحظات فوق الذکر؛ ارزش های اخلاقی را موارد زیر می توان خلاصه کرد. ارزش های اساسی اخلاقی:

1. درستی و راستی
2. مسئولیت پذیری و پاسخگویی
3. احترام و حریم قائل شدن به یکدیگر
4. انصاف و برابری حقوقی
5. عطف و همدلی

وقتی فرد رفتاری رو بر اساس قضاوت های اساسی اخلاقی، در تناظر و هم راستایی با ارزش های اصیلی که محترم و موجه می دونه انجام بده، رفتار اخلاقی Moral Act انجام داده.

به شکل خلاصه بنده اخلاق رو در هر دو تعبیر یک نرم فزاری می دونم که تو ذهن (سیستم عامل) فرد انسانی به تدریج کد می شه و کاملتر می شه. فرد انسانی وقتی خودش توانایی بازبینی و رفع اشکال از این نرم افزار رو پیدا کرد، سیستم اخلاقی اش وارد مرحله ی تمایز جزئی می شه.

قضاوت های اخلاقی هم دو نوع هست، یکی بر اساس نرم ها و هنجارها و اصول و آموزه های ترویجی جامعه هست، Ethical Evaluation یکی دیگه در مقابل و مقایسه با ارزش های آرمانی و اصولی و اساسی یک جامعه ی ایده آل، این ارزشیابی ها Moral Evaluation هست.

چالش اصولی در اخلاق یا ارزش های چه زمانی حاصل می شود.

اگر ارزش ها و آموزه های منتج از آن ها رو دروس آموخته بدونیم، 1- این دورس آموخته با سطح درک و پردازشی گذشته نگر رمزگذاری و تدوین شدن. یعنی

1. ممکن است همان اطلاعات و تجارب در اکنون، با توجه به توان پردازشی سیستم و مدل های استنتاج و الگوریتم های منطقی، به شکلی متفاوت کلی سازی و بسته بندی شود.
2. الگوها و شرایط درک، کلی سازی، استنتاج و بسته بندی آن ها، عرضی و غیر ضرور بوده باشه

چت های پراکنده ولی مربوط 🗨️

سلام

اخلاق به عنوان یک راهنمای عمل، چیزی جز مجموعه ای از ارزش های در هم تنیده نیست ، این درسته به یک تعبیر دیگه خیلی وقت ها که از اخلاق حرف می زنیم، در اصل در مورد ارزش های اخلاقی داریم حرف می زنیم، نه اخلاق به مثابه برچسب افعال و کنش های یک فرد یا گروه!

ارزش خودش یعنی چی، به نظرم ارزش یعنی الگوی ترجیح در انتخاب ها ، البته یک طوری هم می شه گزاره ای آش کرد، ولی به نظر ضعیف باشه، ولی در هر حال، صدق گزینه های تبیین ارزش، گویا یقینی تر هستند (اینجا هم اولویت و برتری طرح می شه در هر حال)
مثلا:

راستی و درستی honesty فضیلت است.

نفع جمعی بر نفع فردی مقدم است،

و....

میلاد جان

در خصوص اخلاق یک تعبیر داریم (همون ارزش) یک تشخیص

حق و باطل یا خوب و بد، درست و غلط برجسب یا تعبیر هستن، ولی تشخیص و برجسب زنی درست (حالا درست یعنی چی! آیا عینیت داره (مثلا دزدی یا دروغ) یا نه فقط الگوی انتخاب و تشخیص صرف هست!) خودش اون اصالت اخلاقی موضوع هست که بین تعارض ارزش های اخلاقی گیر می کنه

برخی تعاریف

اخلاق:

بازشناسی رابطه خود با دیگری در رویکردی سازنده (استعلایی)، شکل گیری یک سیستم سازنده / برهمکنش مثبت/ برآیند مثبت.
(ترجیح مدنیت بر بدویت)

اخلاق یک نرم افزار / سیستم استنتاج، الگوریتم ارزیابی و انتخاب است، که رفتارهای آزاد و رویکرد فرد در انتخاب رفتاری او را در زمینه هایی که خود را صاحب تشخیص می بیند، اعمال می کند. در صورت ترجیح دیگری و الگوهای از پیش پذیرفته شده و مقبول جمعی (هنجارها) رفتار خروجی اخلاقی و در غیر این صورت بی اخلاقی/ بد اخلاقی خوانده می شود.

- ارزش ها
- هنجارها
- اخلاق
- اعمال پسندیده/ توصیه های اخلاقی
- حسنه

سیستم اخلاقی

- تعریف فعل / کنش اخلاقی
- چگونگی ارزشیابی اخلاقی
- روش استنتاج اخلاقی (نوع در هم گذاری و بر هم نهی مفاهیم پایه، نظیر فرد و جامعه و خود و دیگری و اینک و آینده و ...)

الگوهای ارزشیابی اخلاقی

- فضیلت گرا
- وظیفه گرا

- نتیجه گرا (مطلوبیت گرا)

خوب و بد
زشت و زیبا

مطلق بودن اخلاق (Ethics)

در حوزه ی آموزش و تثبیت آن است (جنبه ی نحوی و گرامری اخلاق) اخلاق هنجاری ولی Morality و ارزش های پشتیبان آن مطلق هستند. ممکن است فهرست ارزشها یا اولویت بندی آن ها تغییر کنند ولی ارزش بودن و سیستم ترجیح سازی آن قطعی است، در هنگامه ی تعارض منافع و در هم کنش نا همسوی ارزش ها، برآیندی از آن ارزش ها مبنا قرار خواهد گرفت و یا اتفاقی تاثیر بخش خواهد بود.

در حوزه ی عمل محدودیت اطلاعاتی و تعارض ارزش ها و هنجارها، تصمیم اخلاقی را نسبی و شک انگیز و دارای ابهام می کند، کفایت اطلاعاتی از اثر / نتیجه ی عمل، ضعف اطلاعاتی که پشیمانی می آورد!

اخلاق / قانون؛ به مثابه افسار

اخلاق / قانون؛ به مثابه بده و بستون

اخلاق / قانون؛ به مثابه انتظام بخش و انسجام بخش

اخلاق / قانون؛ به مثابه اعتماد آفرین و بستر همکاری و همزیستی (مشابه قبلی)

مفاهیم عمومی اخلاقی

- خیر و شر
- حق و باطل
- زشت و زیبا
- ارزش و ضد ارزش
- حق و ناحق
- انصاف
- عدالت
- برابری
- برادری

مفهوم رالزی اخلاق؛ اخلاق به مثابه انصاف

انواع رفتارها و کنش هاس انسانی

رفتارهای طبیعی،

- (ثبوتی) رفتارهایی که انسان در بررسی با یک حیوان متناظر به شکل متشابه انجام می دهد.
- (اثباتی)، اگر برخی کنشها/ واکنش های فرد انسانی در مقابل با محرک های محیطی و دریافت های حسی، از الگوریتم های کد شده در ژنتیک/ فیزیولوژی او حاصل شود. (این دسته رفتارها باید تکرار پذیر و آزمون پذیر تجربی باشند!) این رفتارها را می توان طبیعی یا به اصطلاح غریزی نامید.

رفتارهای آموخته،

- (ثبوتی) عضویت در جامعه ی زبانی
- آموزش از طریق تقویت اجتماعی و فرایند جامعه پذیری
- آموزش از طریق تجربه آموزی فردی در حضور و حین مشارکت در جامعه ی زبانی

رفتار هنجاری / رفتار فراهنجاری / رفتار هنجار شکن

بر اساس قاعده ی اخلاق، ادب موقعیت هست.

اخلاق به عنوان روشی برای مدون کردن و انتقال یک سری ارزش ها ارزش؛ ملاکی برای ترجیح و اولویت بندی در انتخاب ها است. ارزش ثابت داریم؟ آیا آموزه های ثابتی منشعب از آن ارزش ها داریم؟

اخلاق؛ نهادی مهم در جامعه است.

اخلاق در آموزش و تربیت و آماده کردن اعضای جدید جامعه (کودکان) طی فرایند جامعه پذیری نقش بسیار مهمی دارد. ساده و روشن و صریح بودن آموزه های اخلاقی برای تربیت و آموخته کردن اعضای جدید برای جذب جامعه ی زبانی شدن.

ضعف امکانات فیزیکی و زیستی بشر برای بقا در محیط زیست. تکیه ی بسیاری به جمع و زندگی جمعی خود دارد.

جامعه ی انسانی برای بقا نیاز به فائق آمدن بر تعارض ها و تضادهای درونی در مقایسه با تعارض ها و مخاطرات طبیعی و محیطی داشت. اجازه بدید این را انسجام اجتماعی بنامیم. انتظام بخشی اجتماعی چالش های بسیاری در مقابل انسجام و یکپارچگی اجتماعی وجود داشته است. عناصری مانند، رهبری، قانون / جرایم و ... در این انسجام بخشی نقش داشته و دارند. سیستم های اقتدار اخلاق بر خلاف سایر موارد مبتنی بر کنترل درونی است.

مهدی سالم

بازانتشار؛ تورنتو، 8 فوریه 2023

دسته بندی مکاتب اخلاقی (مرجع 1)

بر اساس معیار تعیین خوب و بد و تشخیص درست از نادرست:

- نظریه های غایت گرایی
- نظریه های وظیفه گرایی

براساس واقع گرایی و غیرواقع گرایی:

مکاتب و نظریات غیر واقع گرا

1. احساس گرایی
2. توصیه گرایی
3. جامعه گرایی
4. قرارداد گرایی
5. نظریه ی امرالهی یا حسن و قبح شرعی

مکاتب واقع گرا

این نوع از مکاتب را در یک تقسیم بندی می توان به دو دسته تقسیم کرد: مکاتبی که واقعیت احکام و قضایای اخلاقی را واقعیت های طبیعی می دانند و مکاتبی که واقعیت آنها را در امور متافیزیکی و مابعدالطبیعی جستجو می کنند:

دسته ی اول: واقع گرایی طبیعی

1. لذت گرایی
2. سود گرایی
3. دیگر گرایی/عاطفه گرایی
4. قدرت گرایی
5. تطور گرایی
6. وجدان گرایی

دسته ی دوم: واقع گرایی مابعدالطبیعی

1. مکتب کلبی
2. مکتب رواقی
3. مکتب کانت
4. سعادت گرایی (سقراط، افلاطون و ارسطو)
5. مکتب اخلاقی اسلام

مراجع:

- [دسته بندی مکاتب و نظریات اخلاقی](#)
- [پیوند به جلسه ی کلاب هاوسی مربوط به متن اصلی؛ این متن در تکمیل مباحث آن تدوین شده است!](#)